

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقان و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی
بازتاب عناصر فرهنگی و اجتماعی در کتاب سمک عیار

استاد راهنما:

دکتر عبدالحسین فرزاد

استادان مشاور:

دکتر ابوالقاسم رادفر

دکتر ناصر تکمیل همایون

پژوهشگر:

محمد تمدن

خرداد ۱۳۹۴

سپاسگزاری

برخود لازم می‌دانم از یاری و همکاری عزیزانی که در تدوین این رساله، هر یک به نوعی، مرا مرهون لطف و محبتشان قرار دادند تشکر کنم:

استادان بزرگوار: دکتر فرزاد؛ دکتر رادفر و دکتر تکمیل همایون با راهنمایی‌ها و رهنمودهای عالمانه‌شان؛ دکتر ترکی و دکتر شعبانلو با داوری بزرگوارانه‌شان شایسته‌ترین سپاس‌ها هستند.

برای مشورت در برخی از موضوعات بین‌رشته‌ای از یاری عزیزان زیر برخوردار بودم مرهون محبت‌های یکایک‌شان هستم:

زنده یاد دکتر مرتضی صراف که پیشکسوت پژوهش در موضوع جوانمردی و از پایه‌گذاران تصحیح فتوت‌نامه‌ها بودند و به لطف همسر دانشمندشان سرکار خانم دکتر مهدخت معین از حاشیه‌نویسی برخی از کتاب‌هایشان بهره‌مند شدم؛ زنده‌یاد دکتر علی‌محمد حق‌شناس که چه مهربانانه پرسش‌های مرا می‌شنید و پاسخ‌های عالمانه می‌داد.

استاد بزرگوار دکتر پورنامداریان که با حوصله به پرسش‌های من در زمینه‌های گوناگون پاسخ‌های راه‌گشا می‌دادند؛ استاد دانشمند و با محبت دکتر کتابی که با دعوت از همکاران‌شان بزرگواران دکتر بیوک محمدی و سرکار خانم دکتر موید حکمت در مورد مباحث جامعه‌شناختی مرا راهنمایی کردند استادان گرانقدر رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی:

یشت فرزانگی، استاد بی‌بدیل، دکتر ابوالقاسمی که اولین خواننده کتاب سمک عیار بوده‌اند، زمانی که در تصحیح آن به دکتر خانلری کمک می‌کرده‌اند؛ سرکار خانم‌ها: دکتر کتایون مزداپور؛ دکتر زرشناس؛ دکتر امید بهبهانی و به ویژه دکتر فرزانه گشتاسب که پاسخ‌گوی پرسش‌های من در زمینه تخصص‌هایشان بودند و نیز دکتر راشد محصل بزرگوار.

عزیزان زحمت‌کش کتابخانه پژوهشگاه و به‌ویژه دکتر حمیدرضا رادفر، رئیس کتابخانه به خاطر مساعدت‌هایشان.

رئیس محترم پژوهشکده ادبیات، دانشمند جوان، سرکار خانم دکتر پارساپور که با همکاری مدیر محترم تحصیلات تکمیلی دکتر حسنی‌فر موانع قانونی تأخیر این دانشجوی مشتاق را که دلش نمی‌آمد از این محیط دوست‌داشتنی دل بکند از پیش برداشتند.

و سرانجام دوستان دانشجویم، فرزندان عزیزم که بی منت و دریغ به یاری من شتافتند تا این رساله در واپسین روزهای سال به سرانجام برسد: سرکار خانم‌ها ساناز ابرازی؛ عاطفه طهماسبی؛ ندا برزو و به ویژه سرکار خانم سمیه رشیدی که اگر نبود همت والا و دلگرمی‌های مهربانانه ایشان و زحمتهای بی‌دریغ و شبانه‌روزی ایشان در تایپ و آماده‌سازی این رساله شاید هرگز به سرانجام نمی‌رسید. از لطف‌های بی‌دریغشان ممنونم.

شایسته است یادی بکنم از خوشه‌چینی چهل ساله از محضر استاد بی بدیل دکتر شفیع کدکنی که همواره این کمترین شاگرد خود را مورد لطف و محبت قرار داده‌اند و اشتیاق حضور در مجلس درس ایشان بود که این طفل گریز پا را پس از سی و اندی سال دوباره به پای درس کشاند.

یادی از استادان درگذشته‌ام: زنده‌یادان دکتر اردوان داوران؛ دکتر دامادی و آموزگارام در دبستان و دبیرستان و هر آن‌کس که بر گردن من حق تعلیم دارد و تا ابد خود را شاگرد و منت‌گزارشان می‌دانم.

در پایان درخواست آمرزش برای پدر و مادرم که همواره موفقیت‌های تحصیلی من لبخند بر لبان‌شان می‌آورد و جایشان خالی‌است. و با سپاس ویژه از همسر و فرزندانم که کاستی‌های زندگی، ناشی از عشق پیرانه‌سری من به آموختن را تحمل کردند و به روی من نیاوردند.

چکیده

نسخه منحصر به فرد کتاب سمک عیار در مجموعه ازلای کتابخانه بادلیان آکسفورد به شماره های ۳۷۹، ۳۸۰ و ۳۸۱ نگهداری می شود در مقدمه این کتاب تاریخ کتابت آن «سه شنبه چهارم جمادی الاول سال بر پانصد و هشتاد و پنج از هجرت پیغمبر ما» ذکر شده است مؤلف آن فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی است که راوی قصه را صدقه بن قاسم و جایی هم ابوالقاسم شیرازی معرفی می کند این کتاب ناتمام و هنوز بخش هایی از آن پیدا نشده است یک جلد از کتابی دو جلدی به زبان ترکی استانبولی که ترجمه ترکی این کتاب بوده، به شماره ۳۲۹۸ در کتابخانه بریتیش میوزیوم پیدا شده است که در زمان سلطان مرادخان بن سلطان سلیم خان که از ۹۸۲ تا ۱۰۰۳ سلطنت کرده کتابت شده است نام مترجم که خود را یکی از ملاحان شاه عثمانی معرفی می کند معلوم نیست این کتاب را مرحوم سید حسینی به فارسی ترجمه و در ضمن متن فارسی گنجانده شده است این کتاب از سال ۳۸ تا ۴۵ در ۴ مجلد در مجله سخن و انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده و سال ۱۳۴۷ بنیاد فرهنگ مبادرت به چاپ مجدد آن کرده البته به ادعای دکتر خانلری این نسخه، نسخه منحصر به فرد است ولی در نشریه مشکات شماره ۵۶، ۵۷ پائیز و زمستان ۱۳۷۶ ذکری از یک نسخه با نام جمشد نامه یا سمک عیار می شود که در سال ۱۰۲۲ هجری قمری کتابت شده و در کتابخانه انستیتو زبان و ادبیات رودکی در دوشنبه کتابخانه جامی نگهداری می شود. داستان کتاب حول محور زندگی سه پادشاه-پدر، پسر، نوه- و ماجراهای مربوط به آنان می گذرد.

این رساله در دو قسمت اصلی تدوین شده است: قسمت اول با عنوان کلیات شامل: نسخه شناسی؛ خلاصه داستان و در ضمن بحث گونه شناسی کتاب نویافته طراز/الاخبار را فهرستوار معرفی و کتاب را به عنوان «قصه عیاری» طبقه بندی می کند؛ سپس سه مقوله متمایز عیاری، مردی و جوانمردی مورد بررسی قرار می گیرد و مشخصه های هر یک تعیین می شود ریشه یابی واژه عیار و بحثی در باره اصطلاحات بندگان، سرهنگان و عیاران اشاره ای به خاستگاه پیشا اسلامی این نهاد اجتماعی دارد. شگردهای روایی داستان پردازی و برخی بنمایه های مشترک این داستان با همتایانش در ادبیات مردمی و کلاسیک فارسی از دیگر مباحث بخش کلیات است. قسمت دوم کتاب تحت عنوان «بازتاب عناصر فرهنگی و اجتماعی در کتاب سمک عیار» اختصاص به استخراج این عناصر و طبقه بندی آنها بر اساس شیوه تقسیم بندی فرهنگ مصور آکسفورد دودن دارد.

واژگان کلیدی: سمک عیار، آداب و رسوم، عیاری و جوانمردی، داستان های مردمی

فهرست

| | |
|----|---|
| ۱ | فصل اول - کلیات |
| ۲ | مقدمه |
| ۴ | - تعریف مسئله یا بیان مشکل |
| ۶ | - پیشینه تحقیق |
| ۹ | - روش پژوهش |
| ۱۰ | نسخه‌شناسی |
| ۱۲ | خلاصه داستان |
| ۱۶ | معرفی کتاب طراز الاخبار |
| ۳۱ | مردی، عیاری و جوانمردی |
| ۳۱ | ۱-۱ جنگ |
| ۳۲ | ۲-۱ کارهای برجسته‌ی انفرادی |
| ۳۲ | ۳-۱ تصرف دژ |
| ۳۲ | ۴-۱ دستبرد به خزانه |
| ۳۵ | ریشه واژگانی عیاری |
| ۳۹ | جوانمردی |
| ۳۹ | اصول جوانمردی |
| ۴۳ | فنون روایت و نقل داستان |
| ۴۷ | ماجراهای تکرارشونده در داستان |
| ۵۱ | قراردادها و شروط روایی |
| ۵۹ | ملازمان پادشاه: بندگان، سرهنگان، عیاران |
| ۶۴ | بن مایه‌های داستانی در کتاب سمک عیار |
| ۶۴ | ۱-۱ پادشاهی که فرزند ندارد و از وزیر می‌خواهد در طالع بدنبال همسری بگردد که از او صاحب فرزند شود: |
| ۶۷ | ۲-۱ گورخر جادو |
| ۷۵ | ۳-۱ آزمون اردواج |
| ۷۸ | ۴-۱ سرو سخنگو |
| ۸۱ | فصل دوم- بازتاب عناصر فرهنگی و اجتماعی در کتاب سمک عیار |
| ۸۲ | انسان و محیط اجتماعی او |
| ۸۳ | زن |

| | |
|----|--------------------------------|
| ۸۳ | آرایش زنان |
| ۸۳ | اغواگری (دلربایی زنانه) |
| ۸۴ | حسادت زنانه |
| ۸۵ | مرد |
| ۸۵ | اغواگری مردانه |
| ۸۵ | تلقی مردانه از کرشمه‌های زنانه |
| ۸۶ | خانواده |
| ۸۶ | پیوندهای خویشاوندی |
| ۸۶ | برادری |
| ۸۶ | علاقه برادری |
| ۸۶ | کاری برادرانه |
| ۸۷ | پیوندهای خویشاوندی |
| ۸۸ | خوراکی‌ها |
| ۸۸ | گوشت‌آبه (غذای بیمار) |
| ۸۸ | کبوتریچه (غذای بیمار) |
| ۸۸ | غذای جنگاوران |
| ۸۹ | پزشکی |
| ۸۹ | بیماری و سلامت |
| ۸۹ | حمام عافیت پس از بهبودی |
| ۸۹ | صدقه دادن پس از بهبودی |
| ۸۹ | عرق و آب بید برای به هوش آوردن |
| ۹۰ | عاشقی (=بیماری روانی) |
| ۹۰ | داروی زخم |
| ۹۱ | پوشاک |
| ۹۱ | جامهٔ خواب |
| ۹۱ | جامهٔ زنان |
| ۹۱ | پوشاک سرهنگان |
| ۹۱ | جامهٔ راه |
| ۹۲ | مسکن (معماری) |
| ۹۳ | تأسیسات شهری |

| | |
|-----|---|
| ۹۳ | گرماوه / گرما به |
| ۹۳ | بازار گندم فروشان |
| ۹۳ | شهرسازی |
| ۹۳ | محلّه |
| ۹۳ | زندان زیرزمینی |
| ۹۴ | قلعه |
| ۹۴ | قلعهٔ فلکی - شه در |
| ۹۴ | خزینۀ قلعه |
| ۹۴ | معماری قلعهٔ دوازده دره |
| ۹۵ | انبار مواد غذایی - مطبخ - شرابخانه |
| ۹۶ | طبیعت به عنوان محیط زیست |
| ۹۷ | شکار |
| ۹۹ | تجارت، حرفه ها و صنعت |
| ۱۰۰ | آسیابان |
| ۱۰۰ | آسیای عمومی (اشتراکی) - آسیابان ندارد |
| ۱۰۰ | نباش |
| ۱۰۰ | نقاط |
| ۱۰۰ | گلگیر |
| ۱۰۰ | شرابفروش |
| ۱۰۱ | هزینه دارو و حق قدم |
| ۱۰۱ | هیزم کش |
| ۱۰۱ | حمّال - ملزومات |
| ۱۰۱ | طیب - وظایف جوانمردی طیبیان |
| ۱۰۲ | تشکیلات صنفی - بزرگ بزازان |
| ۱۰۳ | حمل و نقل و ارتباطات |
| ۱۰۴ | ارتباطات |
| ۱۰۴ | نشانهٔ رفت و آمد |
| ۱۰۴ | معتد |
| ۱۰۴ | نامه نگاری |
| ۱۰۴ | نامه‌ی مرزبان شاه به شاه سمارق در باب خواستداری |

| | |
|-----|-----------------------------------|
| ۱۰۵ | نامه نگاری و نامه خوانی |
| ۱۰۵ | آداب نامه‌نگاری پانویس‌های متعدد |
| ۱۰۵ | نامه‌نگاری از پادشاه به پادشاه |
| ۱۰۶ | نامه فرستادن |
| ۱۰۶ | نامه نوشتن - عنوان نامه - خطاب |
| ۱۰۷ | قضیب بر طشت زدن (اعلام زایمان) |
| ۱۰۷ | طبل روئین |
| ۱۰۷ | آتش |
| ۱۰۸ | سفر |
| ۱۰۸ | لوازم سفر شاهانه |
| ۱۰۸ | بدرقه‌ی شاهزاده |
| ۱۰۸ | دلیل راه |
| ۱۰۹ | اجتماعات و قراردادهای جمعی |
| ۱۱۰ | اقتصاد |
| ۱۱۰ | بازار |
| ۱۱۰ | راسته‌های تخصصی |
| ۱۱۰ | نقل و انتقال مالی |
| ۱۱۰ | صرّه هزار تنگه |
| ۱۱۰ | اهمیت زر |
| ۱۱۰ | محل نگهداری |
| ۱۱۱ | نیروهای مسلح |
| ۱۱۱ | جنگاوری |
| ۱۱۱ | تأمین آذوقه |
| ۱۱۱ | فرمان منع شرابخواری سپاهیان |
| ۱۱۱ | پوشاک و ملزومات شخصی پیشروی سپاه |
| ۱۱۱ | ملزومات لشکر |
| ۱۱۱ | مراعات دشمن |
| ۱۱۲ | تهیهٔ علوفه |
| ۱۱۲ | نیازمندی‌های لشکر |
| ۱۱۲ | تاکتیک جنگی، مجسمه به جای سرباز |

| | |
|-----|------------------------------------|
| ۱۱۲ | سپاهیان، خریده و خدمتکار..... |
| ۱۱۳ | منصبها |
| ۱۱۳ | پادشاه، |
| ۱۱۳ | فرّه ایزدی |
| ۱۱۳ | همدردی با دشمن |
| ۱۱۳ | توافق با شرایط دشمن |
| ۱۱۳ | سازهای جنگی |
| ۱۱۳ | جنگ شهری |
| ۱۱۳ | محاصره |
| ۱۱۴ | تهیهٔ آذوقه |
| ۱۱۴ | دفاع شهری |
| ۱۱۴ | ظرایف نبرد |
| ۱۱۴ | آداب جنگ و کاربرد جنگ‌افزارها..... |
| ۱۱۵ | ملزومات سپاه |
| ۱۱۵ | زینت لشکر، نشانهٔ ملیت |
| ۱۱۵ | خیمهٔ شاه |
| ۱۱۵ | آداب جنگاوری، مراعات مرکب |
| ۱۱۵ | جنگ پیاده (کشتی گرفتن) |
| ۱۱۶ | سلاحها |
| ۱۱۶ | تجهیزات اسب |
| ۱۱۶ | جامهٔ جنگ |
| ۱۱۶ | عَلَم: رنگ‌ها و نشان‌ها |
| ۱۱۷ | بندگان |
| ۱۱۸ | تشکل‌های مردمی |
| ۱۱۸ | جوانمردی |
| ۱۱۸ | مردم دوستی |
| ۱۱۸ | دروغ نگفتن (راستگویی)..... |
| ۱۱۹ | خطرکردن برای نجات یاران |
| ۱۲۰ | زینهارداری |
| ۱۲۰ | پاکدامنی |

| | |
|-----|-------------------------------------|
| ۱۲۲ | رازداری |
| ۱۲۳ | وفای به عهد |
| ۱۲۳ | انگشتری دادن، نشان پایداری به پیمان |
| ۱۲۳ | نام و ننگ و ترجیح استاد بر برادر |
| ۱۲۳ | وفاداری نسبت به مخدوم |
| ۱۲۵ | آیین‌ها |
| ۱۲۵ | فرزندخواندگی |
| ۱۲۵ | ملزومات عیاری |
| ۱۲۵ | پوشاک |
| ۱۲۵ | صدره و پای‌تابه |
| ۱۲۵ | بیهوشانه (داروی بیهوشی) |
| ۱۲۶ | زر داشتن |
| ۱۲۷ | کارهای عیاری |
| ۱۲۷ | دزدی از دشمن |
| ۱۲۷ | عملیات ایذایی در لشکر دشمن |
| ۱۳۷ | سمک عیار |
| ۱۳۷ | پیشینهٔ خانوادگی |
| ۱۳۷ | مشخصات ظاهری |
| ۱۳۷ | موی بلند |
| ۱۳۸ | ضعیف هیکل |
| ۱۳۹ | ویژگی‌ها |
| ۱۳۹ | درد ادواری شکم |
| ۱۳۹ | عیاری برای نام |
| ۱۳۹ | رجزخوانی |
| ۱۳۹ | مقام سمک در نزد پادشاه |
| ۱۴۰ | موقعیت سمک در نزد خورشیدشاه |
| ۱۴۱ | آموزش |
| ۱۴۲ | انتظامات |
| ۱۴۲ | پست ایست بازرسی |
| ۱۴۳ | مجازات |

| | |
|-----|-------------------------------------|
| ۱۴۳ | زندان زیرزمینی - چگونگی زندانی کردن |
| ۱۴۳ | چوب زدن (مجازات دزدان) |
| ۱۴۳ | چگونگی چوب زدن |
| ۱۴۳ | مصادره اموال |
| ۱۴۳ | مصادره اموال دشمنان |
| ۱۴۵ | حقوق |
| ۱۴۵ | ضمانت متهم |
| ۱۴۶ | بازیها ، ورزشها |
| ۱۴۷ | کشتی |
| ۱۴۷ | شطرنج |
| ۱۴۷ | نرد |
| ۱۴۹ | موسیقی |
| ۱۴۹ | طنز زدن بر عاشقان (نوعی آواز؟) |
| ۱۴۹ | گویندگی - خوانندگی زن |
| ۱۴۹ | آموزش موسیقی به دختران |
| ۱۴۹ | زبان مطربی و توصیف بریط |
| ۱۵۰ | زبان مطربی و توصیف چنگ |
| ۱۵۰ | آشنایی شاهزاده با موسیقی |
| ۱۵۰ | پنهان کردن ساز از وزیر |
| ۱۵۰ | سازهای مطربی |
| ۱۵۱ | ساز مطربی: ساز همراه با آواز |
| ۱۵۱ | سازهای جنگی |
| ۱۵۱ | طربرود |
| ۱۵۱ | اصطلاحات موسیقی |
| ۱۵۱ | سیم مطربی |
| ۱۵۲ | مجلس بزم |
| ۱۵۲ | پذیرایی در مهمانی شاهانه |
| ۱۵۲ | می‌گساری |
| ۱۵۲ | به یاد کسی می خوردن |
| ۱۵۲ | شراب خوردن همراه آواز |

| | |
|-----|---|
| ۱۵۲ | به روی محبوب نوشیدن |
| ۱۵۳ | ساقیی |
| ۱۵۴ | آداب و رسوم عام |
| ۱۵۴ | تیر نشانه اجازة رفت و آمد |
| ۱۵۴ | حمام عافیت |
| ۱۵۴ | مژدگانی برای خبر خوش |
| ۱۶۴ | باورها |
| ۱۶۴ | موجودات عجیب |
| ۱۶۴ | دایة جادو |
| ۱۶۴ | هرزگی جادو |
| ۱۶۴ | جادوان |
| ۱۶۴ | رعایت پوشش در حضور مهمان |
| ۱۶۵ | تقدیرگرایی |
| ۱۶۵ | تقاص خون ناحق |
| ۱۶۶ | خواب و خوابگزاری |
| ۱۶۶ | (الف) خواب |
| ۱۶۶ | (ب) تعبیر خواب |
| ۱۶۷ | سوگند |
| ۱۶۹ | آداب و رسوم |
| ۱۶۹ | آداب و رسوم درباری |
| ۱۶۹ | تشریفات (فرستاده دشمن وزیر است) |
| ۱۶۹ | پذیرایی شاهانه |
| ۱۶۹ | پذیرایی فغفور شاه از فرخ روز و خورشید شاه |
| ۱۷۰ | نوروز |
| ۱۷۰ | باغ نوروزی |
| ۱۷۰ | طلب نوروزی (=عیدی) |
| ۱۷۰ | نوروزی دادن |
| ۱۷۰ | کشتی پهلوانان در نوروز |
| ۱۷۱ | تشریفات درباری |
| ۱۷۱ | کلاه بر زمین زدن، نشانه خبر بد آوردن |

| | |
|-----|--|
| ۱۷۲ | تشریفات ورود رسول به کاخ شاهی |
| ۱۷۲ | پذیرفتن رسول |
| ۱۷۴ | پیغام‌گزاری رسول |
| ۱۷۵ | شرف‌یابی به حضور شاه |
| ۱۷۵ | سلسله مراتب در ملاقات خصوصی |
| ۱۷۶ | بارگاه |
| ۱۷۶ | ترتیب حاضران در خدمت شاه |
| ۱۷۶ | ایستادگان و نشستگان |
| ۱۷۶ | شرکت‌کنندگان |
| ۱۷۷ | تشریف‌فرمایی شاه به بارگاه |
| ۱۷۷ | وصف بارگاه شاه و همراهی کردن او برای جلوس بر تخت |
| ۱۷۸ | خلعت دادن شاه فغفور |
| ۱۷۹ | استقبال |
| ۱۷۹ | استقبال شاه فغفور از [شاهزاده] خورشید شاه |
| ۱۷۹ | پذیرائی از استقبال‌کنندگان |
| ۱۷۹ | خلعت دادن به استقبال‌کنندگان |
| ۱۸۰ | مهمان سوار بر اسبی که میزبان فرستاده است |
| ۱۸۰ | وضع شهر در ورود مهمانان |
| ۱۸۰ | پیاده کردن مهمان |
| ۱۸۰ | توطئه وزیر علیه پهلوان نافرمان |
| ۱۸۰ | توطئه وزیر |
| ۱۸۱ | منصب‌ها |
| ۱۸۱ | پادشاه |
| ۱۸۱ | فرّه ایزدی |
| ۱۸۱ | پادشاهان به میدان نمی‌روند مگر با همتایان خود |
| ۱۸۱ | جانشین شاه - داماد شاه |
| ۱۸۲ | دایه |
| ۱۸۲ | ویژگی دایه |
| ۱۸۲ | زورمندی |
| ۱۸۲ | قلعه‌بان (کوتوال) |

| | |
|-----|------------------------------|
| ۱۸۲ | قلعه‌بان قلعه را ترک نمی‌کند |
| ۱۸۲ | پاسبانان و یطاق‌داران |
| ۱۸۳ | شحنهٔ ولایت |
| ۱۸۳ | منصب‌هادر قلعه |
| ۱۸۳ | دیده‌بان؛ کوتوال؛ حاجب |
| ۱۸۳ | رسول‌دار |
| ۱۸۳ | صاحب قلم |
| ۱۸۳ | لالا |
| ۱۸۳ | ولایت بربر خاستگاه لالاها |
| ۱۸۴ | فرآش |
| ۱۸۴ | پوشاک و ملزومات |
| ۱۸۴ | دراجه دار |
| ۱۸۴ | رکاب‌دار |
| ۱۸۴ | طشت‌دار |
| ۱۸۵ | زندان‌بان |
| ۱۸۵ | وظایف |
| ۱۸۵ | (غذا دادن زندانیان) |
| ۱۸۵ | دبیر |
| ۱۸۵ | ویژگی‌ها |
| ۱۸۵ | رسول |
| ۱۸۵ | مصونیت رسول |
| ۱۸۶ | پاسبان |
| ۱۸۶ | محل استقرار بامسرا |
| ۱۸۷ | شاهدخت |
| ۱۸۷ | ملازمان شاهدخت |
| ۱۸۷ | کارگزاران شاهدخت |
| ۱۸۷ | مطربان، استادسرای، خزینه‌دار |
| ۱۸۷ | گوینده |
| ۱۸۷ | دایه |
| ۱۸۷ | وظایف |

| | |
|-----|--------------------------------|
| ۱۸۷ | همراه همیشگی بانو |
| ۱۸۸ | کاربردهای زبانی |
| ۱۸۹ | برخی ویژگی‌های نحوی |
| ۱۹۳ | طنز |
| ۱۹۴ | توصیف‌ها |
| ۱۹۴ | توصیف بارگاه |
| ۱۹۴ | توصیف آمدن روز و براعت استهلال |
| ۱۹۵ | توصیف صبح |
| ۱۹۵ | توصیف شب |
| ۱۹۵ | توصیف جنگجوی سواره |
| ۱۹۵ | توصیف قلعه |
| ۱۹۶ | توصیف قلم و دوات و نامه نوشتن |
| ۱۹۶ | توصیف وصال و موانع زناشویی |
| ۱۹۶ | توصیف سلاح |
| ۱۹۷ | توصیف شب زفاف |
| ۱۹۷ | توصیف شب و روز |
| ۱۹۸ | توصیف سلاح و وصف شمشیر |
| ۱۹۸ | توصیف طبل جنگی |
| ۱۹۸ | توصیف جنگجو |
| ۱۹۹ | توصیف قلم و دوات و نامه نوشتن |
| ۱۹۹ | توصیف جلاّد |
| ۲۰۰ | توصیف زیبایی زنانه |
| ۲۰۰ | توصیف اسب |
| | توصیف اسب |
| ۲۰۱ | وصف سوار و اسب و ملزومات هر یک |
| ۲۰۱ | توصیف شتر |
| ۲۰۲ | تمازض |
| ۲۰۳ | نتیجه‌گیری و پیشنهادها |
| ۲۰۵ | کتاب‌شناسی |

فصل اول کلیات

مقدمه

الف - کتاب سمک عیار:

این کتاب یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های منشور داستان‌پردازی در ادبیات فارسی است. در مقدمه چاپی این کتاب، نسخه منحصربه‌فرد آن در کتابخانه بادلیان آکسفورد ذکر شده است. تاریخ کتابت و نام کاتب آن نسخه معلوم نیست. زمان تألیف کتاب هم به‌طور دقیق مشخص نیست؛ اما در متن کتاب جایی به تألیف آن در ۵۸۵ هجری اشاره شده است. (فرامرز بن خداداد، ۱۳۶۷، ج ۴: ۴)؛ راوی قصه صدقه بن ابی القاسم شیرازی و گردآورنده آن فرامرز بن خداداد ابن عبدالله کاتب ارجانی است که به گفته خانلری، مصحح کتاب، در هیچ کتاب دیگری ذکری از آنان نشده است و اطلاعاتی درباره آنان در دست نیست. عناصری در این کتاب وجود دارد که نشان می‌دهد اصل این قصه در پیش از اسلام موجود بوده و به تدریج تا عصر به‌کتابت درآمدنش شاخ و برگ‌هایی به آن افزوده شده است. نثر این کتاب نثری به‌دور از تکلف و پیچیدگی‌های مرسوم این دوره است و به زبان محاوره مردمان زمان خود نزدیک است و گاهی که از صنایع بدیعی استفاده می‌کند برای توصیف زیبایی، صحنه‌های نبرد و طلوع و غروب خورشید است. «[این کتاب] از جهت عبارات و لغات و اصطلاحات، گنجینه‌ای گران‌بها است و اگر از کتاب‌های تفسیر و تاریخ بگذریم مفصل‌ترین و بزرگ‌ترین متنی است که از قرن‌های ششم و هفتم در دست مانده است.» (فرامرز بن خداداد، ۱۳۶۷: سیزده). به گفته یوسفی (۱۳۷۵: ۲۴۱) «اگر بگوییم آثار معدودی مانند سمک عیار که در خلال کلمات آن‌ها نفس گرم و زنده مردم زمان‌های دور احساس می‌شود بسیار مغتنم است سخنی خلاف نیست.» روایت ماجراهای سمک در عین این‌که به داستان کیفیتی سرگرم‌کننده

می‌بخشد، علت غایی تألیف آن یعنی ترسیم چهرهٔ یک عیار نوعی در عمل هم هست. سمک عیار گنجینه‌ای از اطلاعات فرهنگی و اجتماعی است. «دریای ناپیداگرانی است که در آن درهای شاهوار فراوان به‌چنگ می‌آید.» (محبوب ۱۳۳۹: ۶۶۷) خانلری پس از بحث در مورد ارزش کتاب از نظر زبانی و کاربرد لغات و اصطلاحات در آن می‌گوید: «اما فایدهٔ مهمتر اطلاعاتی است که از روی این کتاب دربارهٔ اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در قرون ششم و هفتم به دست می‌توان آورد و از این حیث شاید از صد دیوان شعر به این اندازه استفاده نتوان کرد.» (فرامرزی بن خداداد ۱۳۶۷: ۱۴) مارینا گیبار Marina Gaillard معتقد است: «اگرچه وقایع به‌گونه‌ای فرضی در خارج از ایران می‌گذرد اما داستان تصویری دقیق از زندگی روزمرهٔ دوران خود ترسیم می‌کند. کتاب نه‌تنها نظری اجمالی به زندگی مردم عادی دارد، امری که در متون ادبی فارسی به‌ندرت به چشم می‌خورد، بلکه اطلاعات ارزشمندی از محیط اجتماعی عیارپیشگان، زن و مرد، و نحوهٔ گذران روزانهٔ زندگی حرفه‌ای آنان به دست می‌دهد.» (gaillard ۲۰۰۹: ۴)

همان‌طور که به نظر رسید آوازه و اهمیت کتاب سمک عیار به آن سوی مرزها هم کشیده شده است و منبعی ارزشمند برای مطالعهٔ زندگی اجتماعی ایران در قرون ششم و هفتم هجری و به‌ویژه بررسی زندگی و رفتار عیاران و آیین جوانمردی است. این کتاب تا کنون به زبان‌های روسی و فرانسوی ترجمه شده است. فاضلی بیرجندی معتقد است: «کتاب، سرگذشت عیاران و آیین و راه و رسم آن‌هاست. همچنان که گنجی است شایگان از آداب و رسوم و اوضاع و احوال جامعهٔ آن زمان و مفید بسی فایده‌های تاریخی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و دیگر چیزها.» (۱۳۶۸: ۴۴) کتاب پنج جلدی سمک عیار دانشنامه‌ای است از آداب و رسوم، باورها، تکیه‌کلام‌ها، کنایات و ضرب‌المثل‌ها تا زمان تألیف آن که ریشهٔ بعضی از آن‌ها، که پاره‌ای از بین رفته و برخی تا زمان حاضر نیز ادامه یافته است، به پیش از اسلام می‌رسد. جنبهٔ دیگر اهمیت این کتاب در قدیمی‌تر بودن آن نسبت به همتایان غربی‌اش می‌باشد، اگر دون‌کیشوت (۱۶۰۲ م.) را قدیمی‌ترین رمانس غربی بدانیم سمک عیار حدود سه چهارم قرن قدیمی‌تر از آن است و نسبت به افسانهٔ رابین‌هود که ملهم از شورش‌های دهقانی ۱۳۸۱ م. انگلستان می‌باشد دو قرن پیش‌تر است؛ احیای این کتاب به شناخته‌تر شدن آن نزد علاقه‌مندان به تاریخ ادبیات داستانی کمک کند. استخراج جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی این متن مفصل و دسته‌بندی آن‌ها تهیهٔ مواد خامی است برای پژوهش‌گران عرصه‌های مختلف به‌ویژه کسانی که به مطالعه در مورد عیاران و آیین جوانمردی علاقه دارند.

ب- عیاری و جوانمردی:

این آیین که از آموزه‌های مهری تا (پندار نیک)، (گفتار نیک) و (کردار نیک) در آن به چشم می‌خورد. پیشینه کهن در تاریخ و فرهنگ ایران و سایر نقاط جهان دارد. از سویی ره به «اسواران» در فرهنگ پیش از اسلام می‌برد و از سویی با شوالیه‌گری یا شهبواری در غرب شباهت‌هایی دارد. رد پای آن را از آیین‌های سامورایی در شرق دور تا جماعت «اخیان» در آسیای صغیر «فتیان» در فرهنگ عربی می‌توان دنبال کرد. برخی آن را مقدمه تصوف اسلامی می‌پندارند و پیشاهنگان آن را از آدم و فرزندش شیث و به حضرت ابراهیم (ع) - که او را ابوالفتیان (پدر جوانمردان) می‌خوانند - برمی‌شمارند؛ و رسول مکرم اسلام (ص) که مولای جوانمردان علی (ع) را به سلک فتیان درآورد و حدیث لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار را تأییدی بر این مدعا می‌دانند - خود سر جوانمردان است. در تاریخ باید قهرمانانی همچون ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث صفاری و یارانش را از عیارانی دانست که به فرمانروایی رسیدند و خلیفه عباسی الناصر لدین الله را که با درآمدن به سلک فتیان به آن رسمیت بخشید از حامیان آن برشمرد.

تعریف مسئله یا بیان مشکل

در این پژوهش برآنیم تا به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که عناصر اجتماعی و فرهنگی در داستان سمک عیار که پیرامون عیاران ایران است، چگونه رخ نموده است و کتاب از چه زاویه‌ای به جامعه و فرهنگ زمان خود نگریسته و بیشتر به کدام بخش از جامعه متمایل بوده و چه عناصر فرهنگی را بازتاب داده است.

اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش (چرایی پژوهش درباره این موضوع)

همان‌طور که پیش از این گفته شد این کتاب از چند جنبه دارای اهمیت است:

- کتاب قدیمی‌ترین داستان منثور ادبیات فارسی است.
- کتاب از همگنان غربی خود قدیمی‌تر است.
- کتاب از نظر زبانی متعلق به گونه زبانی محاوره است و محاوره (دیالوگ) های آن متناسب با اصطلاحات، مقام و حرفه و موقعیت گوینده است و در آثار منثور این امر کمتر سابقه دارد.

- موضوع اصلی کتاب داستان زندگی روزمره، باورها و شیرین‌کاری‌های عیاران است که هیچ اثر دیگری چنین ویژگی‌ای ندارد.
- کتاب سراسر آکنده از اطلاعات مردم‌شناختی است مانند آیین‌های سوگواری، عروسی، تولد، نام‌گذاری، آداب و رسوم، رسول فرستادن و رسول پذیرفتن، آراستن سپاه، تشریفات درباری، خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها و ...
- مشابهت‌های آیین‌های عیاری با تشکیلات مشابه در فرهنگ‌های مختلف مانند آیین فتوت در فرهنگ اسلامی - عربی، آیین‌های سامورایی در فرهنگ بودایی و شرق آسیا، شوالیه‌گری در فرهنگ غربی - مسیحی و گروه «اخیان» در آسیای صغیر نشانگر اهمیت این آیین است و این کتاب به مثابه اصلی‌ترین منبع فارسی در این زمینه است و تدوین دانشنامه‌ای در این باره ماده خام این مطالعه تطبیقی را فراهم می‌آورد.
- با توجه به موارد فوق، این پژوهش از آن جهت که سمک عیار آکنده از اطلاعات فولکلوریک و مردم‌شناختی قرون گذشته ایران است ضرورت دارد و می‌تواند از جهت مردم‌شناسی و تاریخ فولکلور ایران بسیار سودمند باشد.